

امام خمینی(ره): معمار کبیر وحدت در جهان اسلام

از دیدگاه امام خمینی (ره) فطرت الهی بشر گرایش به توحید دارد و منازعات، پراکندگیها و تفرقه‌ها نیز خلاف مصلحت جوامع اسلامی و گاهی در مسیر انحطاط مسلمین است.



خبرگزاری مهر- از دیدگاه امام خمینی (ره) فطرت الهی بشر گرایش به توحید دارد و منازعات، پراکندگیها و تفرقه‌ها نیز خلاف مصلحت جوامع اسلامی و گاهی در مسیر انحطاط مسلمین است.

بررسی آثار امام خمینی بیانگر این مطلب است که تاکید بر وحدت در آثار ایشان، از یک مبنای نظری قوی ریشه می‌گیرد و این تاکید بر مکتب فلسفی عرفانی امام خمینی که مبتنی بر وحدت حقیقی عالم خلق و امر وحدت حقیقی موجود است استوار می‌باشد. از دیدگاه امام خمینی (ره) فطرت الهی بشر گرایش به توحید دارد و عقل و خرد آدمی نیز در تمامی ادوار زندگی‌اش آنجا که به غرضها و تمایلهای نفسانی و شیطانی آلوده نشده بر همین گرایش حکم کرده است. منازعات، پراکندگیها و تفرقه‌ها نیز خلاف مصلحت جوامع انسانی و گاهی در مسیر انحطاط دانسته شده است.

انبیای الهی از آدم تا خاتم- صلوه الله علیهم اجمعین- نیز اساس دعوت دینی خویش را بر توحید و نفی مظاهر شرک و ثنویت و تثلیث و نفاق در همه ابعاد آن قرار داده‌اند. اعتقاد به توحید، نهایی‌ترین مرز اسلام و کفر است و اصولاً گرایش به وحدت حقیقی در جامعه انسانی از جلوه‌های اعتقاد به توحید است و در نقطه مقابل آن کثرت‌گرایی از ویژگیهای بارز ماده پرستی و شرک به شمار می‌آید.

امام در کتاب سرالصلوه در بیان مقامات معنوی علما بالله پس از ذکر مقدمات سه گانه‌ای چهارمین مقام اولیا را تحقق مقام وحدت می‌داند و می‌فرماید: "در این مقام کثرت قاب قوسین از میان برخیزد و به هویت ذاتیه با جمیع شئون آن، مستهلک در عین جمع و متلاشی در نور قدم و مضمحل در احدیت وفانی در غیب هویت شوند."

و در جایی دیگر می‌فرماید: "اصحاب صحو بعد المحو را حجابی از غیب و شهادت نباشد. وجود خود آنها وجود حقانی باشد و عالم را به وجود حقانی مشاهده کنند و "ما رایت شیئاً الا و رایت الله قبله و بعده و معه"، تجلیات ذاتیه و اسمائیه و افعالیه هیچ یک، آنها را از دیگری محجوب نکند."

حضرت امام وحدت را از سنخ رحمت و محصول مقدماتی می‌داند که بدون آنها حاصل نخواهد شد. ایشان می‌فرمایند: "باید کوشش کنید، باید کوشش کنیم که این رحمت ادامه پیدا کند... تفرقه از شیطان است و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان است." شعر عرفانی امام نیز آوای وحدت را در مجموعه نظام هستی تکرار می‌کند، بدان پایه که حتی فریاد انا الحق منصور را نشان انیت و ثنویت می‌داند: بر فراز دار فریاد انا الحق می‌زنی/ مدعی حق طلب انیت و انا چه شد؟ و یا در سروده‌ای دیگر: "فریاد انا الحق ره منصور بود/ یا رب مددی که فکر راهی بکنیم"

حضرت امام در میدان مبارزه نیز یکی از پیشگامان دعوت به وحدت بودند. بخش مهمی از نخستین اعلامیه تاریخی ایشان که بیش از پنجاه سال پیش با آیه مبارکه "قل انما اعظکم بواحد ان تقوموا الله منی و فرادی" آغاز و صادر شده است، وحدت امت را به عنوان بستر قیام لله تشکیل می‌دهد.

حضرت امام در کتاب چهل حدیث که برای استفاده عموم نوشته شده است در بیانی تاریخی و اخلاقی در معنا و ماهیت وحدت کلمه می‌فرماید: "یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام- سلام الله علیهم- که علاوه بر آن که خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است، و اجتماع در سهام امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه ارباب تعدی است که مستلزم فساد بنی الانسان و خراب مدینه فاضل است و این مقصد بزرگ که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همه و الفت و اخوت و صفای باطنی و صداقت قلبی و ظاهری و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند، و جمعیت به منزله یک شخص باشد و افراد به منزله اعضا و اجزای آن باشند، و تمام کوششها و سعیها، حول یک مقصد بزرگ الهی و یک سهم عظیم عقلی که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند.

اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع و یا یک طایفه پیدا شد، غلبه کنند بر تمام طوایف و ملی که بر این طریقه نباشند، چنانچه از مراجعه به تواریخ خصوصاً تاریخ جنگهای اسلام و فتوحات عظیمه آن مطلب خوب روشن می‌شود. مسلمین مامورند به دوستی و مواصلت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت." بر این اساس امام خمینی بر اساس یک مبنای فلسفی و عرفانی به طور اصولی از وحدت حمایت می‌کنند و یکی از تجلیات آن را وحدت بین مسلمین می‌دانند.

راهبرد امام خمینی برای تحقق وحدت، مبتنی بر نگرش ایشان به عوامل تفرقه در جهان اسلام است. امام خمینی علت العلل تفرقه در جهان اسلام را عامل خارجی می‌داند و معتقدند که این عامل با استفاده از ابزارهای داخلی خود، کار تخریب و انهدام وحدت در جوامع اسلامی را انجام داده و خواهد داد. ایشان هدف عوامل خارجی از تفرقه را سلطه بر جوامع مسلمین و غارت ذخایر آنها می‌دانند و در این باره می‌گویند: "آنهايي که می‌خواهند از بلاد مسلمین بهره‌گیری کنند، آنهايي که می‌خواهند ذخایر مسلمین را ببرند، آنهايي که می‌خواهند دولتهای اسلامی را در زیر یوغ سلطه خودشان قرار بدهند اینها کوشش کرده‌اند خودشان و عمالشان به اینکه تفرقه بین مسلمین ایجاد کنند."

امام در جای دیگری این عوامل را دولتهای استعمارطلب می‌داند و می‌گویند: "دولتهای استعمارطلب، دولتهایی که می‌خواهند ذخایر مسلمین را ببرند با وسیله‌های مختلف، با نیرنگهای متعدد دول اسلامی را، سران دول اسلامی را اغفال می‌کنند. گاهی به اسم شیعه و سنی اختلاف ایجاد می‌کنند و ... بین طوایف به اسم اسلام و به اسم مذهب چیزهایی پخش می‌کنند؛ تبلیغاتی می‌کنند که طوایف مسلمین به جان هم بیفتند و با هم اختلاف شیعه و سنی پیدا بکنند و آنها به ذخایری که مسلمین دارند دسترسی پیدا بکنند و نتوانند مسلمین کاری انجام بدهند."

ایشان در موقعیتهای دیگری از قدرتمندان و ابرقدرتها در این رابطه یاد می‌کنند و می‌گویند: "طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند... ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند." و یا: "اینطور نیست که این ممالک اسلامی که با هم اختلاف دارند و اختلافات سرسختانه با هم دارند... من باب اتفاق شده باشد، خیر، این نقشه‌های آن ابرقدرتهاست که اینها را وا می‌دارد که به هم نپیوندند و این قدرت یک میلیاردری نیاید روی کار."

امام با اشاره به عناصر داخلی که به اعتقاد ایشان به عنوان کارگزاران عوامل خارجی عمل می‌کنند و تفرقه در جهان اسلام را دامن می‌زنند، خاطرنشان می‌سازند که این عناصر داخلی در خدمت عامل اصلی تفرقه یعنی عامل خارجی هستند: "آنهايي که می‌خواهند ایجاد تفرقه بکنند، اینها نه اهل سنت هستند نه اهل تشیع. آنها کسانی هستند که کارگردانان آن دولتهای ابرقدرت هستند و اینها در خدمت آنها هستند."

و در جایی دیگر می‌افزایند: "شیطان بزرگ جوجه‌های خود را فراخوانده است تا با هر حيله‌ای متصور بین مسلمین تفرقه افکند و امت توحیدی و برادران ایمانی را به اختلاف و دشمنی کشاند و راه سلطه‌گری و چپاول را برای خویش هر چه بیشتر باز کند." امام خمینی به صورت خاص به دو دسته از این عناصر داخلی اشاره می‌کنند و یکی از آنها را برخی سران اسلامی می‌داند و می‌گویند: "یکی از بزرگترین و اساسی‌ترین مشکلات منشا آن می‌باشد... و جنایتکاران سودجو که از اختلاف ملتها و دولتها به سود خودشان بهره‌برداری می‌کنند با دست عمال از خدا بی‌خبر خود به اختلافات دامن می‌زنند."

و یا در جایی دیگر می‌فرمایند: "اختلاف نظر و مزدوری بعضی سران کشورهای اسلامی، به هفتصد میلیون مسلمان، علی‌رغم معادن و ثروتها و امکانات طبیعی‌شان، فرصت و امکان کوتاه کردن دست استعمار، و صهیونیسم و محدود کردن نفوذ بیگانگان را نمی‌دهد."

امام خمینی دومین عنصر مهم داخلی را که به عنوان کارگزار عامل اصلی عمل می‌کند عناصر فرهنگی می‌داند و به طور خاص به برخی اقدامات آخوندهایی که ایشان از عناوین "جیره‌خوار" و "نفاق افکن" و "وعاظ السلاطین" برای آنها استفاده می‌کنند اشاره می‌کنند از جمله به اقدام این عناصر در ایجاد تفرقه بین ایران اسلامی و بقیه کشورهای مسلمان اشاره دارند و می‌گویند: "در آستانه کوشش بی‌امان ایران برای وحدت کلمه و تشبث به اسلام بزرگ توحید و بین جمیع مسلمین جهان، به یکی از مهره‌های خبیث آمریکا دستور می‌دهند تا از فقها و فقیهان اهل سنت فتوا بر کفر ایرانیان عزیز بگیرند که برخی از این مهره‌ها نیز گفته‌اند، اسلامی که ایرانیان می‌گویند غیر از اسلامی است که ما می‌گوییم."

ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: "طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بی‌خبر آنان از آن جمله و عاظ السلاطین، که از سلاطین جور سیاه روی‌ترند ریخته شد، و هر روز بر آن دامن می‌زنند و گریبان چاک می‌کنند و در هر مقطع به امید آنکه اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می‌دارند."

یا در جایی دیگر می‌گویند: "اینها اشخاصی هستند که برای دشمنهای اسلام مشغول توطئه هستند و می‌خواهند دشمنهای اسلامی را بر مسلمین غالب کنند. آنها طرفدار آمریکا هستند، بعضی طرفدار شوروی هستند."

امام خمینی (ره) معتقدند که این عامل خارجی با استفاده از عوامل داخلی خود از دو ابزار مهم برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام

استفاده کرده است که این دو ابزار مهم عبارتند از اختلاف قومی (ناسیونالیسم) و اختلاف مذهبی.

امام برای تبیین این دو عامل از برخی تجربیات تاریخی استفاده می‌کنند وی در خصوص ابزار ناسیونالیسم و ملی‌گرایی از تجربه فروپاشی امپراتوری بزرگ عثمانی یاد می‌کنند و معتقدند که قدرتهای بزرگ برای نابودی یک امپراتوری بزرگ اسلامی و تجزیه مسلمانان به این ابزار متوسل شده و با طرح مسئله قومیت‌های مختلف، جدایی بین کرد، ترک، عرب را در جهان اسلام دامن زدند و می‌افزایند:

"شاید بسیاری از شما یادتان بیاید جنگ بین‌المللی اولی را، که با مسلمین و با دولت عثمانی چه کردند. دولت عثمانی یکی از دولی بود که اگر با شوروی طرف می‌شد گاهی او را زمین می‌زد، سایر دول حریف میدان او نبودند. دولت عثمانی یک دولت اسلامی بود که سیطره‌اش تقریباً از شرق تا غرب را گرفته بود. آنها دیدند که با این دولت اسلامی به این قوی‌ای نمی‌شود چاره‌ای کرد، نمی‌شود ذخایر را برد. بعد از اینکه در این جنگ با آن بساط غلبه پیدا کردند، تجزیه کردند دولت عثمانی را به دولتهای بسیار کوچک، کوچک. برای هر یک از آنها امیر یا سلطانی یا رئیس جمهوری قرار دادند که آنها در قبضه مستعمره‌چینها و ملت بیچاره در قبضه آنها بود. با این وضع یک دولت عثمانی با آن مرز را زمین زدند."

امام در خصوص ملی‌گرایی می‌فرماید: "من مکرر عرض می‌کنم که این ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است. برای اینکه ملتها را مقابل یکدیگر قرار دهد... اینها تلقیناتی بوده است که از ابرقدرتها که می‌خواستند ما را بچاپند شده است. معالاسف بعضی اشخاص مسلمان هم باورشان آمده است."

ایشان در سخنانی دیگر از ملی‌گرایی به عنوان یکی از نقشه‌های بزرگ قدرتهای بزرگ برای چپاول مسلمین یاد می‌کنند و می‌گویند: "از نقشه‌های بزرگ قدرتهای بزرگ که می‌خواهند مسلمین را زیر سلطه خود بیاورند و مخازن آنها را غصب کنند و اموال آنها را به چپاول ببرند مسئله ملت‌گرایی است... نقشه قدرتهای بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مسلم را... از هم جدا کنند و به اسم ملت ترک، ملت کرد، ملت عرب، ملت فارس، از هم جدا کنند بلکه با هم دشمن کنند و این درست بر خلاف مسیر اسلام است... اینهایی که با اسم ملیت و گروه‌گرایی و ملی‌گرایی بین مسلمین تفرقه می‌اندازند، اینها لشگرهای شیطانی و کمک کارهای به قدرتهای بزرگ و مخالفین با قرآن است."

امام خمینی در سخنان خود به ابزار دوم استعمار یعنی ایجاد اختلاف مذهبی بین فرقه‌های مسلمین اشاره دارند و آن را یکی از جنایات قدرتمندان برای ویران کردن اساس وحدت مسلمین می‌دانند و می‌فرماید: "طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بی‌خبر آنان از جمله وعظ‌السلطین که از سلاطین جور، سیاه روی‌ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند و گریبان چاک می‌کنند و در هر مقطع به امید آنکه اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند. طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می‌دارند."

ایشان در جای دیگر از تفرقه به عنوان یک انحراف در جوامع مسلمین یاد می‌کنند که به وسیله دست قوی دشمن ایجاد شد. و معتقدند کسانی که تفرقه ایجاد می‌کنند نه سنی هستند نه شیعه، بلکه ابزار دست دولتهای ابرقدرت می‌باشند.

امام خمینی (ره) عامل اصلی تفرقه در جهان اسلام را عامل خارجی می‌دانند که به وسیله عمال داخلی خود با استفاده از دو ابزار مهم ملی‌گرایی و اختلاف مذهبی به فروپاشی وحدت امت مبادرت می‌ورزند، مطالعه آثار منتشر شده از امام خمینی نشان دهنده این امر است که مبانی استراتژی ایشان به منظور وحدت در جهان اسلام بر دو اصل سلبی زیر استوار است که همراه آن با استفاده از یک سری ابزارهای ایجابی، می‌توان وحدت جهان اسلام را متحقق کرد.

الف) مبارزه و تبری از ابرقدرتها و قدرتهای بزرگ سلطه‌گرا توجه به نگرش امام(ره) نسبت به عامل اصلی تفرقه، بدیهی است که مهمترین استراتژی رسیدن به وحدت را برخورد با ابرقدرتها و قدرتهای سلطه‌گر بدانند و طرد سلطه و نفوذ این قدرتها را مهمترین عامل در اعاده وحدت بر جهان اسلام قلمداد کنند. امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید:

"ملتهای مسلمان باید اصل را بر دشمنی و فریب ابرقدرتها با خود بگذارند مگر اینکه خلاف عملی و عینی آن را مشاهده و لمس و باور نمایند."

و در جای دیگر می‌فرماید: "کسی که تابع مذهب اسلام است باید با ابرقدرتها مخالفت کند و مظلومان را از زیر چنگال اینها بیرون بیاورد." امام(ره) در این رابطه به طور خاص از مبارزه با آمریکا به عنوان مصداق سلطه‌گری در جهان اسلام و مهمترین عامل تفرقه یاد می‌کنند و مبارزه با آن را مورد تاکید قرار می‌دهند و می‌گویند: "مهمترین و دردآورترین مسئله‌ای که ملتهای اسلامی و غیر اسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه است موضوع آمریکاست. دولت آمریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه از هیچ کوششی فرو گذار نمی‌کند. آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف

جهان است. آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید."

بر این اساس امام خمینی(ره)، برخورد با آمریکا و پایگاه منطقه آن یعنی اسرائیل را نه تنها از دید روابط با کشوری قدرتمند در رژیمی نامشروع بلکه از دیدی استراتژیک در خصوص وحدت جهان اسلام می‌نگرند و نفی و طرد نفوذ و سلطه آمریکا در کشورهای اسلامی را موجب حیات مجدد جهان اسلام و رفع تفرقه در این کشورها می‌دانند. در این قالب، تاکید امام بر اینکه آمریکا شیطان بزرگ است و حساسیت خاص ایشان در نفی هر گونه رابطه مجدد با آن کشور معنا پیدا می‌کند. همچنین تاکید بر انجام اعمال برائت از مشرکین در حج و برگزاری روز قدس در این راستاست. بنابراین به نظر می‌رسد امام خمینی معتقدند با دوری جستن از نفوذ و سلطه قدرتهای سلطه گر تا حد زیادی یکی از موانع اصلی وحدت رفع شده و به دنبال آن وجوه مشترک و نیازهای کشورهای اسلامی آنها را به سوی یکدیگر سوق خواهد داد.

ب) حفظ انسجام امت اسلام و مبارزه با عناصر تفرقه افکن

امام خمینی علاوه بر نفی ابرقدرتها، نفی ابزارهای داخلی آنها را نیز گام اساسی دیگر برای حفظ وحدت می‌دانند. زیرا با توجه به اینکه امام خمینی از دو ابزار مهم تفرقه در جهان اسلام تحت عنوان تفرقه قومی (ناسیونالیسم) و تفرقه مذهبی یاد کرده‌اند طبیعی است که مبارزه با این دو روش تفرقه را یکی از اصول استراتژی مهم خود بدانند و بر حفظ انسجام امت اسلامی و مبارزه با عناصر تفرقه افکن تاکید ورزند. ایشان در این باره تلاش دارند تا با طرح مبانی مشترک مسلمانان اختلافات مذهبی آنها را کم اهمیت جلوه دهند و همه را در حول محور قرآن و توحید متحد سازند. ایشان در این باره می‌گویند:

"ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم. همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم..."

"اصل این مسئله که شیعه یک طرف و سنی طرف دیگر، از روی جهالت و از روی تبلیغاتی است که اجانب کرده‌اند... امروز روزی است که همه مسلمین باید با همه مجتمع بشوند."

اما در همین باره می‌افزایند: "یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته‌ای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری. اصلا طرح این معنا، از اول درست نبود. در یک جامعه‌ای که می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و شدند شافعی و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند اینها شدند شیعه اینها دلیل اختلاف نیست ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم ما همه با هم برادریم برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند."

ایشان بزرگ کردن این اختلافات را تنها ابزاری از جانب استعمارگران برای ایجاد اختلاف و تفرقه بین جوامع اسلامی می‌دانند و ضمن اشاره به برخی تفرقه اندازیه‌ها از سوی علمای وهابی که به نام مذهب انجام می‌شود آنها را مامور می‌دانند و می‌گویند: "از مرکز وحی که رسول اکرم در آنجا مردم را دعوت به اعتصام بحبل الله و وحدت فرموده است یک آخوند درباری صدای نفاق بر می‌دارد و فریاد نفاق انگیز می‌کشد."

امام خمینی (ره) همچنین در اقدامی عملی از حجاج ایرانی می‌خواهند که برای از بین بردن این اختلافات اقدام کنند و از هر گونه عملی که بوی تفرقه از آن بیاید در مراسم حج خودداری کنند و حتی خواندن نماز در پشت سر امام غیر شیعی را بدون مهر صحیح می‌دانند و ترک مسجد الحرام را در حین برپایی نماز جماعت مذمت می‌کنند.

سیره عملی ایشان نیز همواره بر رفع این تفرقه‌ها حکایت دارد. ایشان اختلافات فقهی در مذاهب اسلامی را بسیار کوچک تر از آن می‌بینند که باعث تشتت مسلمین در مقابل کفار شوند. از سوی دیگر امام خمینی در مواضع مختلفی ضمن مخالفت با هر گونه گروه‌گرایی در جهان اسلام آن را باعث تفرقه و ضعف قدرت مسلمین می‌دانند و معتقدند که باید از فعالیت برخی احزاب که باعث شکاف اجتماعی می‌شود جلوگیری کرد و آنها را باعث تجزیه ملت و جلوگیری از وحدت ملل اسلامی می‌دانند.

امام با تاکید بر مصالح اسلام به جای منافع ملی، معتقدند که قومیت‌های مختلف می‌توانند تنها گرد محور اسلام تجمع کنند و منافع اسلامی خود را تامین نمایند بر این اساس ایشان اعتقاد دارند که با نفی ابرقدرتها و عوامل داخلی تفرقه، موانع اصلی وحدت بین ملل اسلامی برطرف می‌شود.

امام خمینی(ره) معتقدند مبارزه با سلطه قدرتها در جهان اسلام و همچنین مبارزه برای از بین بردن امکانات داخلی آنها در جوامع اسلامی و نفی هر گونه تفرقه قومی و مذهبی مهمترین اولویت را در هر گونه تلاش برای وحدت جهان اسلام داراست و بعد از آن می‌توان زمینه وحدت ملل اسلامی را برای ایجاد یک امت واحد فراهم ساخت. ایشان برای این منظور ابزارهای متعددی را پیشنهاد می‌کنند. تا به کمک آنها بتوان این وحدت را متحقق ساخت.

در بخش زیر به مهمترین این ابزارها اشاره می‌شود:

الف- دولتهای جوامع مسلمان، در این باره امام خمینی معتقدند که دولتهای اسلامی یکی از مهمترین عوامل بالقوه وحدت دهنده به جهان اسلام است. ایشان به رغم اینکه به حضور برخی دولتهای بسیار وابسته و مزدور در جهان اسلام اشاره دارند سعی می‌کنند با نصیحت به ترغیب دیگر روسای دول اسلامی بپردازند و آنها را تشویق به اتحاد با هم نمایند. امام در این باره با توجه دادن آنها به اسلام و مصلحت اسلامی به عنوان مهمترین عوامل وحدت ساز می‌گویند: "من همواره مصرأ خواسته‌ام که مسلمانان سراسر جهان متحد شوند و بر ضد دشمنانشان از جمله اسرائیل مبارزه کنند، متأسفانه دعوتهای مرا رژیمهای مختلفی که در کشورهای مسلمان بر سر کار آمده‌اند نشنیده‌اند، من امیدوارم که بالاخره این دعوتهای شنیده شوند و من در این باره پایداری خواهم کرد."

و یا در جای دیگری می‌فرمایند:

"الان بر روسای اسلام، بر سلاطین اسلام، بر روسای جمهوری اسلام تکلیف است که این اختلافات جزئی موسمی را که گاهی دارند، این اختلافات را کنار بگذارند. عرب و عجم ندارد، ترک و فارس ندارد، اسلام، کلمه اسلام، پیغمبر اسلام همانطوری که خودشان طریقه مبارزه شان بوده است باید اینها هم تبع باشند تبع اسلام باشند."

امام همچنین از سلاطین اسلامی می‌خواهند که ضمن حفظ حدود و مرزهای خود به جامعه بزرگ اسلامی که مشترک بین آنهاست بیندیشند و برای مصالح اسلامی اولویت خاص قائل باشند: "اگر این هفتصد میلیون مسلمان دو بیست میلیون، چهارصد میلیون با هم دست بدهند، دست برادری بدهند، حدود و ثغورشان را حفظ کنند، و حدود خودشان را حفظ کنند، لکن در جامعه اسلامی که مشترک ما بین همه است در کلمه توحید که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی که مشترک بین همه است با هم توحید کلمه کنند، دیگر یهود به فلسطین طمع نمی‌کند و هند به کشمیر طمع نمی‌کند، اما نمی‌گذارند شما متحد شوید." امام خمینی بر لزوم حمایت همه جانبه همه کشورهای اسلامی از یکدیگر در مقابل دشمن تأکید می‌کنند. و معتقدند که بر همه مسلمین واجب است که از مسلمانان دیگر در مقابل بیگانگان حمایت کنند.

و ضمن همکاری همه جانبه با یکدیگر جبهه مشترکی را در مقابل دشمن به وجود آورند. ایشان اعتقاد دارند که منابع عظیم اقتصادی این کشورها می‌تواند یکی از عوامل مهم قدرت این کشورها در مقابل ابرقدرتها باشد. بنابراین بر همکاریهای اقتصادی به عنوان مقدمه برای همکاریهای همه جانبه تأکید می‌ورزند.

امام خمینی در سخنان خود ضمن اشاره به امکانات بالقوه طبیعی و انسانی این کشورها، از این کشورها می‌خواهند که با گسترش همکاریها و تجمع همه امکانات قدرت بزرگ جهان اسلام را به فعالیت درآورند. در این باره می‌گویند: "اگر این دولتهای اسلامی، این دولتهایی که همه چیز دارند، این دولتهایی که افراد زیاد دارند، این دولتهایی که ذخایر زیاد دارند، اگر اینها با هم اتحاد پیدا کنند، در سایه اتحاد احتیاج به هیچ چیز و هیچ کشوری و هیچ قدرتی ندارند بلکه آنها به اینها محتاج هستند."

ایشان در مواضع دیگری، گسترش همکاری و اتحاد جهان اسلام را باعث پیروزی مسلمین بر اسرائیل، و بازگرداندن مجدد عظمت مسلمین و بی نیازی آنان از قدرتهای بزرگ ذکر می‌کنند. و همکاری نظامی بین آنها در صورت هر گونه حمله به کشورهای اسلامی را توصیه می‌کنند و می‌گویند: "هر ملتی مصلحت ملت دیگری را مصلحت خودش بداند و مومنین در هر جا که هستند برادر باشند و به برادری رفتار کنند و اگر یک جائری به یکی از ممالک اسلامی تعدی کرد این تعدی را به خودشان بدانند."

به هر حال امام خمینی(ره) به عنوان یک مصلح واقع بین بر بیداری دولتها به عنوان مهمترین ابزار عملی وحدت، توجه خاصی را مبذول می‌دارند و از طرق مختلف خواستار به فعلیت رسیدن این امر می‌شوند.

ب- نقش علما و روشنفکران جوامع اسلامی

از دیدگاه امام، یکی دیگر از ابزارهای مهم برای وحدت جهان اسلام، علما و روشنفکران این جوامع هستند تا با بیداری مردم و آگاه کردن آنها از هر گونه خطرات و مضرات تفرقه در جهان اسلام، آنها را به سوی وحدت هدایت کنند. امام خمینی از علما و روشنفکران این کشورها می‌خواهند تا با قلمها و بیان خود به افشای دسیسه‌های استعمار بپردازند و عوامل اصلی تفرقه را رسوا سازند و جوامع اسلامی را به وحدت کلمه فراخوانند:

"علما و دانشمندان سراسر جهان بویژه علما و متفکران اسلام بزرگ یکدل و یک جهت در راه نجات بشریت از تحت سلطه ظالمانه ی این اقلیت حيله باز و توطئه گر که با دسیسه‌ها و جنجالها سلطه ظالمانه خود را بر جهانیان گسترده‌اند بپاییزند و با بیان و قلم و عدل خود، خوف و هراس کاذبی را که بر مظلومان سایه افکنده است بزدايند و این کتابهایی که اخیرا با دست استعمار که از آستین کثیف این بردگان شیطان منتشر شده و دامن به اختلاف بین طوایف مسلمین می‌زنند نابود کنند و ریشه اختلاف که سرچشمه همه گرفتاری مظلومان و مسلمانان است را برکنند و یکدل و یکسو بر این رسانه‌های گروهی که در بیشتر ساعات شبانه روز به فتنه انگیزی و نفاق افکنی و دروغ‌پردازی و شایعه سازی عمر خود را می‌گذرانند پرخاش کنند و بر سرچشمه‌های تروریسم که از کاخ سفید می‌جوشد

امام خمینی (ره) در سخنان دیگری می‌فرماید:

"اهل علم و اهل منبر بیشتر، روشنفکر و اهل قلم بیشتر، دیگران هم باید بگویند به همه، به طور توصیه، به هم سفارش کنند که گول این شیاطین که می‌خواهند جدا کنند شماها را از هم، گول اینها را نخورید. ایشان همچنین از اقشار مختلف مردم می‌خواهند تا با تشکیل جبهه مستضعفین مسلمانان را در حول محور اسلام و مبارزه بر علیه ابرقدرتها متحد سازند".
بنابراین امام خمینی، وظیفه بیدارسازی ملتها را متوجه علما و روشنفکران آنها می‌داند. و از این گروه می‌خواهند تا نقش تاریخی خود را در وحدت جهان اسلام ایفا نمایند.

ج- کنگره بزرگ حج

امام خمینی (ره) از مراسم حج به عنوان یکی از ابزارهای مهم و استراتژیک وحدت یاد می‌کنند. و حضور میلیونها مسلمان در زمان واحدی را زمینه مناسبی برای طرح مسئله و ایجاد زمینه برای انجام وحدت عملی جهان اسلام می‌دانند. و در این باره می‌گویند:
"در اجتماع عظیم الهی حج، مسلمین به بررسی مشکلات عمومی مسلمین و در راه رفع آن کوشش کنند... یکی از بزرگترین و اساسی‌ترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمین است."

"از جمله وظایف در این اجتماع عظیم دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است که خطبا و گویندگان و نویسندگان در این امر حیاتی اقدام و کوشش نمایند در به وجود آوردن جبهه مستضعفین که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار لا اله الا الله از تحت اسارت قدرتهای شیطانی و اجانب و استعمارگران بیرون آیند و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند."

امام خمینی (ره) در یکی دیگر از سخنرانیهای خود مرکز دعوت به وحدت را مکه معظمه و در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج می‌دانند.

با توجه به اهمیتی که امام خمینی برای حج در راه تبلیغ وحدت جهان اسلام قائل‌اند تاکید ایشان بر انجام مراسم برائت از مشرکین نیز در این مراسم مشخص می‌شود. و بخوبی واضح که برائت از مشرکین که اقدامی در راه برائت از سلطه گران و قدرتهای سلطه گر در جهان است اقدامی در راستای وحدت بخشی به جهان اسلام نفی یکی از عوامل اصل تفرقه است. امام خمینی اصولا وحدت جهان اسلام را مهمترین عامل قدرت جهان اسلام می‌دانند. و مانع اصلی وحدت را عناصر خارجی و ابرقدرتها و قدرتهای سلطه گر معرفی می‌کنند که به خاطر تداوم منافع خود در منطقه با بهره گیری از دو ابزار داخلی یعنی تفرقه مذهبی و تفرقه قومی سعی در تجزیه جهان اسلام دارند.

بر این اساس، امام مبنای راهبرد (استراتژی) خود را بر نفی عامل خارجی و طرد عوامل داخلی آن می‌دانند و معتقدند با نفی این عوامل، زمینه وحدت فراهم می‌شود و جوامع اسلامی می‌توانند با توجه به مشترکات خود به یکدیگر نزدیک شوند و قدرت جهان اسلام را به فعلیت درآورند. در این راه ابزارهای راهبردی (استراتژیک) مورد تاکید امام خمینی برای انجام این وحدت عبارتند از: حکومتهای حاکم بر جوامع مسلمان، علما و روشنفکران در جوامع اسلامی و استفاده از کنگره عظیم حج.